

شماره ۷۲  
نشریه کودکان ایران  
نیمه اول شهریورماه ۹۷  
قیمت ۳۰۰۰ تومان

# اتل و متل



هواداران اتل و متل

آشپزی

داستان

شعر

2411200316610003





آدرس: بلوار وکیل آباد، ۷ تیر ۲، پلاک ۳۵، استودیو آفرینش  
شماره تماس ۳۸۹۴۳۰۵۳

# در این شماره می خوانیم:

- ۲.....نیایش
- ۳.....کاردستی
- ۴.....شعر
- ۶.....دقت کنید
- ۷.....ماز
- ۸.....داستان
- ۱۰.....آشپزی
- ۱۱.....هواداران اتل و متل
- ۱۲.....مسابقه
- ۱۲.....وصل کنید

مدیر مسوول و صاحب امتیاز.....علی پاکباز خسروشاهی  
سر دبیر.....لیلا خیامی  
صفحه آرا.....استودیو زیگورات  
ویراستار.....زهرا امیری فر  
طرح جلد.....استودیو زیگورات

اتل و متل ابتدا و نیمه هر ماه منتشر می شود.  
همه ی بچه ها و بزرگترها می توانند با اتل و متل همکاری کنند و آثارشان را ارسال نمایند.  
حق ویرایش آگار رسیده برای اتل و متل محفوظ است.  
نقل از اتل و متل با ذکر مأخذ و نام صاحب اثر آزاد است.



نشانی: مشهد، احمدآباد، خیابان قائم ۱۴، پلاک ۴۶، طبقه همکف  
تلفن و نمابر: ۳۸۴۱۶۵۸۴ - ۳۸۴۳۷۷۱۱ - ۵۱  
تهران، پاسداران، بوستان ۸، پلاک ۴۶، طبقه ۷  
تلفن و نمابر: ۰۲۱-۲۲۷۶۰۸۹۷ پیامک: ۳۰۰۰۷۹۸۱  
www.Atalvamatal.ir info@Atalvamatal.ir  
آدرس تلگرام نشریه اتل و متل: @atalvamatal



# نیایش

عید است  
همه جا ریشه بندان است  
همه خوش حالند و به هم تبریک می گویند  
عید غدیر خم را  
عید امامت را  
عید بزرگ شیعیان را  
خدایا کمک کن در کارهایمان مثل امام مهربانمان  
علی(ع) باشیم  
از او مهربانی را یاد بگیریم  
از او ایمان و شجاعت را یاد بگیریم  
آمین.



# کاردستی

## سر گرمی بشقابی



بشقاب‌های یک بار مصرف را بعد از استفاده دور نیندازید.

می‌توانید با آن‌ها چیزهای جالبی بسازید. نصف بریده شده‌ی یک بشقاب که برایش دست و پا و گردن و سر بگذاریم، می‌تواند یک دایناسور جالب باشد.

بشقاب می‌تواند لاک لاک پشت باشد.

یا یک ماهی بامزه، اگر قسمت دهانش را برش بزنید و برایش پولک بکشید. می‌توانید با تزئین و چسباندن درخت و کمی ماسه و چند تا صدف و کشیدن یک دریای آبی روی بشقاب، یک ساحل قشنگ درست کنید. این می‌تواند یک تابلوی بامزه باشد. می‌توانید شکل‌های مختلف روی بشقاب‌ها بچسبانید، چند تا نیلوفر مرداب و چند تا ماهی. بشقاب‌ها خورشیدهای زیبا می‌شوند، اگر تزئینشان کنیم. شما می‌خواهید با بشقاب یک بار مصرف چه چیزی بسازید؟

## مهمونی

زهره مهربان  
 گربه‌ها روی پشت بوم  
 دوباره مهمونی دارن  
 میو میو با همدیگه  
 سر و صدا درمی‌آرن

وای نکنه جوجه‌ی من  
 بترسه کابوس ببینه  
 الان تو خواب جوجه‌ای  
 گربه‌های لوس ببینه

خدا جونم تو خواب اون  
 جیک جیکای قشنگ بریز  
 هزار هزار تا جوجه‌ی  
 خوشگل و رنگارنگ بریز

# بابا

لیلا خیامی  
بابا بودن خیلی خوبه  
رئیس بازی در می آری  
می تونی توی خونه تون  
هزار تا قانون بذاری

## دریا

افسانه سرایی  
دریا چه قدر آب داره  
بلندتر از قد من  
وقتی که زیر آبی  
سخته نفس کشیدن

ماهیا بر عکس ما  
همیشه توی آبن  
خونه‌ی اون‌ها آبه  
همون جا هم می خوابن

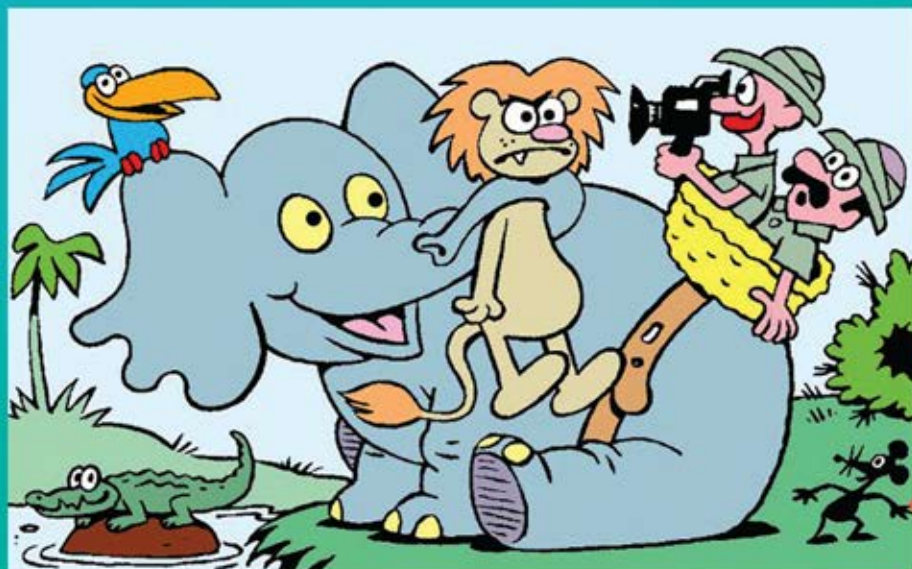
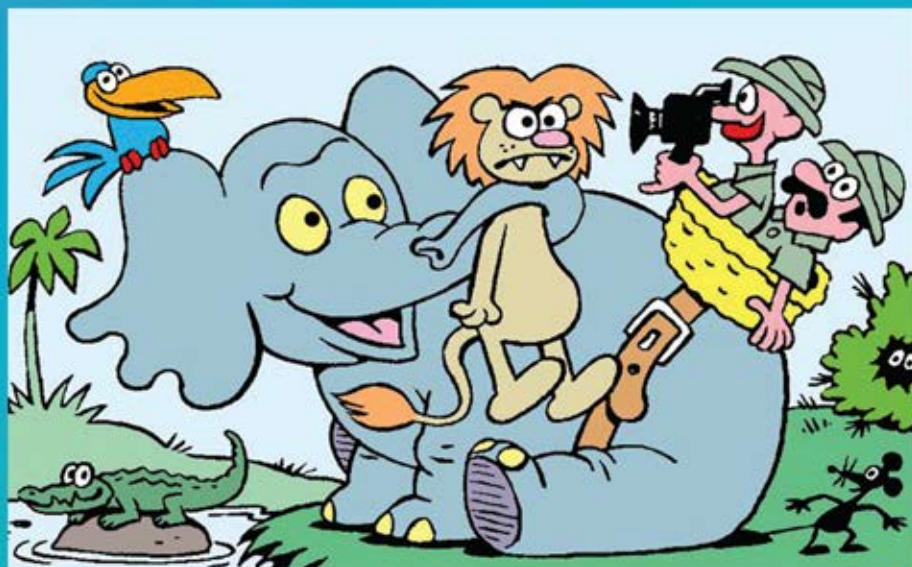
همیشه توی دریا  
مشغول کار و بارن  
چون اونا تو لپ‌هاشون  
دو دونه آبشش دارن

وقتی می آ از سر کار  
برات چایی دم می کنن  
تلویزیون رو بچه‌ها  
خواب که باشی کم می کنن

منم یه روز بزرگ می شم  
بابای خونه مون می شم  
رئیس بازی در می آرم  
بابای مهربون می شم

# دقت کنید

دقت کنید و تفاوت های دو تصویر را پیدا کنید.



# ماز

سگ کوچولو را به خانه اش برسانید.



ابتدا و منتهی

# داستان

هیولا

لیلاخیامی

همین که برق اتاق خاموش شد، سر و کله‌اش پیدا شد. سایه‌ی گنده و ترسناک هیولا از پنجره به کف اتاق افتاد.

دست‌های بلند و ناخن‌های تیزش را تکان داد. از ترس زیر پتو رفتم. اسب‌های عروسکی‌ام هم می‌ترسیدند. گفتم: «نترسید! من مواظبتان هستم.» اسب کوچولو گفت: «اگر ما را بخورد چی؟»، گفتم: «نترسید! شما پارچه‌ای هستید. شما را دوست ندارد. هیولاها گوشت می‌خورند، نه پارچه.»

همین‌طور که این حرف را می‌زدم، مثل ژله زیر پتو می‌لرزیدم. اسب کوچولو که با حرف‌های من شجاع شده بود، از زیر پتو بیرون پرید و گفت: «پس من به جنگ هیولا می‌روم.»

اسب‌های دیگر اسباب بازی هم پشت سرش بیرون پریدند. چه قدر شجاع شده بودند! اسب‌ها یکی یکی سمت پنجره رفتند. راستش من هم دیگر مثل قبل نمی‌ترسیدم. با خودم گفتم: «شاید همه با هم بتوانیم شکستش بدهیم!» برای همین از زیر پتو بیرون آمدم و شمشیر اسباب بازی‌ام را برداشتم و دویدم کنار پنجره.

همه با هم پنجره را باز کردیم. هیچ کس نبود. هیولایی نبود فقط درخت خشک وسط باغچه بود که باد تکانش می داد. اسب کوچولو گفت: «هیولا این بود!» خندیدم و گفتم: «خودِ خودش است! یک هیولای بی آزار! کاری با ما ندارد.»

همه خیالشان راحت شد و نفس راحتی کشیدند. همگی با هم برگشتیم توی تخت خواب. همان طور که دراز کشیده بودیم، به سایه‌ی کف اتاق نگاه کردیم. شاخه‌های خشک درخت واقعا بامزه بودند. دیگر ترسناک نبودند، دیگر هیولا نبودند، فقط شاخه‌های خشک درخت بودند که سایه‌شان افتاده بود کف اتاق. همگی راحت چشم‌هایمان را بستیم و خوابیدیم.



## آشپزخونه

### معجون طالبی

مواد لازم:

یک عدد طالبی کوچک - ژله‌ی توت  
فرنگی - یک فنجان انگور سیاه یا  
گیلاس - دو قاشق خامه - یک قاشق  
پودر قند.

طرز تهیه:

طالبی را با کمک بزرگ‌ترها همان  
جور درسته پوست کنید. حالا طالبی را  
از وسط دو نیم کنید و دانه هایش را  
خالی کنید. نصف طالبی را کنار بگذارید  
و نصف دیگرش را نگه دارید. حالا ژله  
تان را با کمی آب گرم حل کنید و  
تویش انگور سیاه یا گیلاس بریزید و  
داخل طالبی نصفه را با مخلوط ژله پر  
کنید. طالبی را در یخچال بگذارید تا  
ژله‌اش سفت شود. حالا خامه را با  
پودر قند یا شکر مخلوط کنید و خوب  
هم بزنید و دسر طالبی را با آن تزئین  
کنید. دسر طالبی خوش‌مزهی شما  
آماده است. نوش جان!

اتل و متل  
۱۰



بنیامین نصیحتی  
از مشهد



حلما و محمدپارسا محبه  
از مشهد



فاطمه فرودی  
از مشهد

# هواداران اتل و متل

بچه ها اگر شما هم از هواداران اتل و متل هستيد می توانيد عکستان را به ايميل ما  
[info@Atalvamatal.ir](mailto:info@Atalvamatal.ir) بفرستيد تا در اين نشریه چاپ شود.

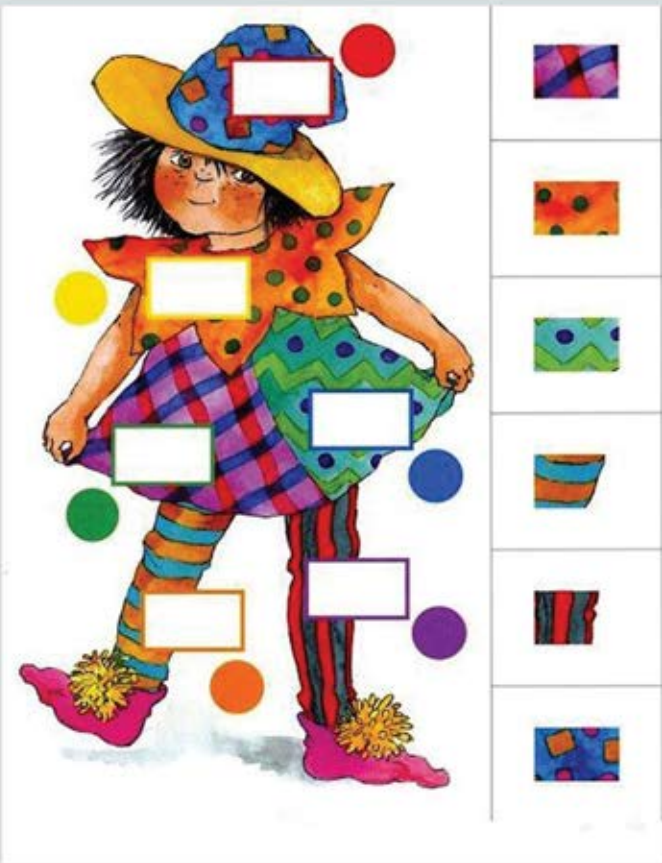




برای تصویرهای رو به رو یک داستان بنویسید و برای ما بفرستید تا جایزه بگیرید. آدرس ما در صفحه شناسنامه می باشد.

## وصل کنید

هر تکه از پازل را به قسمت مربوط به خودش وصل کنید.





مازراة  
mazrae

 NANE.MAZRAE

عید سعید غدیر خم  
۱۰ ذی الحیجہ ۱۰  
۱۰ غرہ ۱۰

عید سعید غدیر خم



☎ ۰۲۱ - ۴۱۶۳۹۰۰۰

🌐 [www.melalbank.ir](http://www.melalbank.ir)

📍 @ Melal\_bank\_ir

📷 @ Melal\_bank\_ir

عید سعید غدیر خم مبارک باد

